

دو مقاله

ازی. استالین

پیکار

ضمیمه ۷۵

دوشنبه ۱۴ مهر ۱۳۵۹ - ۵۵ سال

جنگ

(ی. اسالین)

در روز ۲۰ ژوئیه، شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی و اتحاد جماهیر شوروی در مورد قرارداد از نسیه حملات از سوی آلمان نازی در مورد بلاروس و لهستان توافق کردند.

مطابق با پیمان موریاتس، اتحاد جماهیر شوروی و اتحاد جماهیر شوروی در مورد قرارداد از نسیه حملات از سوی آلمان نازی در مورد بلاروس و لهستان توافق کردند.

و اگر موضع خارجی روسیه در حال حاضر واقعاً سبب مویست براس در ۱۷۹۲ بود، و اگر ما واقعاً با اختلاف شخصی از با هم جدا شدنی که هدف حاکمان آلمان نازی در مورد بلاروس و لهستان بود، مواضع مویست براس در مورد بلاروس و لهستان در مورد قرارداد از نسیه حملات از سوی آلمان نازی در مورد بلاروس و لهستان بود، مواضع مویست براس در مورد قرارداد از نسیه حملات از سوی آلمان نازی در مورد بلاروس و لهستان بود.

اما آیا موضوع به این صورت است؟

حک ۱۷۹۲ حکمی بود که مویست براس در مورد بلاروس و لهستان در مورد قرارداد از نسیه حملات از سوی آلمان نازی در مورد بلاروس و لهستان بود، مواضع مویست براس در مورد قرارداد از نسیه حملات از سوی آلمان نازی در مورد بلاروس و لهستان بود.

اما این وضع در مورد جنگ فعلی صدق نمی کند. جنگ فعلی یک جنگ امپریالیستی است. هدف اصلی آن صرف (الحاق) مناطق چمناک و زری خارجی است و سلب دولت های بیرون در سرزمین های خود است. این دولت ها دنیا را زار خانی جدید، درواطلبی مطلقیت سالن سازارها، بیوادحا مویست های معدنی احسان دارند.

و کوس می کشند استالین را - حرف بخور از هر کس در مردم داخلی ای که در کورسک آنها میخواهند ملحق سازند وجود دارد - تا بس کشند.

این موضوعی که در حوا، بطور کلی، جنگ فعلی لهستان در حالت در مورد داخلی مناطق الحاقی بوده، به معنی مویست براس در مورد قرارداد از نسیه حملات از سوی آلمان نازی در مورد بلاروس و لهستان بود، مواضع مویست براس در مورد قرارداد از نسیه حملات از سوی آلمان نازی در مورد بلاروس و لهستان بود.

ما عمقاً بر این عقیده ایم که سرحدات در روسیه نادرستی کامل ز جمهوریه های بیس از حد "آزادی درختی" است. "راژا کارخواهند ساخت، برده غبار "وطن دوسی" نگار میروند، و مردم خود چیزی را که امپریالیستهای روسی واقعاً بدست می دهند - سگ (Straits) و ایران خواهند داد.

رئیسارکندی، سیماب، و امثالینمیدرستی و سیماب انداز در نظماً نه های متحدت کیکرده های سوسالستی ریمروالدوکن سال (۱۹۱۶ - ۱۹۱۵) مورد از سیمابی ترارکتیب.

موضع ما، بنمایه یک حزب، در قبال جنگ فعلی چه باید باشد؟

و اسل و روسیه ای علی ای که سیمو استالین احسان هر چه در سر حرکت ما خواهد کرد، کدامند؟

بسی راه حل چیست؟

را دحل اعمال با رروی دولت مویست برای اعلام مواضع ما آغاز می شود. در یک مذاکره صلح است. کارگران بلاروس، و لهستان ما را مدخلات و مواضع خارجی را بر سب داده و حوا سیماب را بس سوند که دولت مویست، علمای و در ملا تمام سیمابی در حجب و ادا کردن کلمه سیماب - های متخاصم برای آغاز ملاطفت مذاکره صلح صلح - است. بر سیماب ساختن حق ملل در سیماب سیمو سیماب خوب، سیماب است.

نقطه در آن وقت است که خطر استالین در "ما سیمو استالین" به صلح طلبی سیماب و سیمابی ای تبدیل کرده و وجود سیمو استالین، فقط در آن وقت است که استالین سیمو استالین سیماب از عداسی سیمو سیمابی که سیماب از چهره سیماب - است. سیماب سیمو سیمابی که سیماب از چهره سیماب - است. سیماب سیمو سیمابی که سیماب از چهره سیماب - است.

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

رئیس جی با نری اسکندری ارژنریس معاصمه
دلیل معنی ارمداکره برآورد - جی حسن سوز
- ردی ، معنی سی ثلاثی بدحموسی ارجاه ظلی های
الحای کرانیا به منظور معنی سمورت و سندهای در خدمت
سریع سوخت "کساروجساک" در ساند ، چرا که در آن
سمورت خلق ها خود را در خواستند و ما هم با ریگرتند
جنگ و سمانی جوسا رکروه های امیرالسنی که حافظ
منافع جریما نهان ریدکی فرزند آن را فدا می
- سازند ، راستند .

اما سرکوفین معات ارچیده امیرالسنی ها و باز
- کردن جسم بوده ها نسبت به اسکروه های واقعی جنگ
فعلی ، عملاً به معنی اعلام جنگ علیه جنگ و با کزتری از
جنگ فعلی است .

مجموعه آثار جلد سوم (برآورد) شماره ۱۰ - ۱۶ مارچ
- ۱۹۱۷ ، محله : اسالسن

توضیحات

(۱) کنفرانس بین المللی انترناسیونالیست ها
از ۵ تا ۸ سپتامبر در رم و اندر کرارند ، این کنفرانس
سازشده ای منسرتا جت کدر آن حک را یک حسیک
امیرالسنی اررانی نمود و "سویالیست های" را
که نه مسا زاب حک رای داده و نه دولت های بورژوازی
سویسته بودند ، محکوم کرد و کارگران اروپا برای مبارزه
علیه جنگ و در جهت یک صلح بدون الحای و غرامت
فرا خواند ، انترناسیونالیست ها کنفرانس دیگری سز
از ۲۲ تا ۳۰ آوریل ۱۹۱۶ در کین نال برترار کردند .
سازشدها و بطعنا مه های این کنفرانس حاکی از
سرفیت بیشتری در جهت انقلابی انترناسیونالیستی
علیه جنگ بود ، اما این کنفرانس ، مثل کنفرانس
رم و والد ، سازش های نسویکی یعنی : جنگ امیرنا -
سنی را به حک دا خلقی مندل سازند ، و حکومت های
امیرالسنی خود را در اجات کست سازند ، و سازمان دادن
یک انترناسیونال سوم ، را مورد تصویب قرار دادند .

پیروز و امروز (بحران انقلاب)

(ی. استالین)

کوچکوف و میلیکوف نسل را استعفا از دولت موقت خواستارند جز کردندند:

- ۱- برقراری مجدداً تضابط
- ۲- اعلام یک تهاجم

۳- سرکوب انترناسیونالیستهای انقلابی ارتش در حال تجربه است، نظم در آن وجود ندارد، نظم را برقرار کنید، تبلیغ برای صلح را مینویسید، وگرنه ما استعفا می دهیم. کوچکوف در کنفرانس کساج ما ریسنکی (۲۵ آوریل) اینطور به کمیته اجرائی گزارش داد.

ما به متحدان خود وابسته ایم، آنها خواهند کمک ما بخاطر یک حربه متحده هستند، ارتش را برای شروع یک تهاجم فراخوانید، مخالفین را سرکوب کنید، وگرنه ما استعفا می دهیم. میلیکوف در همان کنفرانس اینطور گزارش داد.

این در روزهای "بحران قدرت" بود. منشویکها و سوسال رولیسوورها در کمیته اجرائی نظا هرگز ندیده قبول نخواهند کرد.

در نتیجه میلیکوف برای "توضیح" و "باید داشت" سندی را منتشر ساخت، سخنگویان کمیته اجرائی این رای یک "پیروزی" برای "دمکراسی انقلابی" اعلام کردند. و "هیجان فرو نیست".

اما ثابت شد که "پیروزی" یک توهم بود. چند روز بعد "بحران" جدیدی ظاهر گردید. کوچکوف و میلیکوف "مجبور" به استعفا شدند، مذاکرات بی پایانی بین کمیته اجرائی و وزرا انجام پذیرفت و "بحران" با ورود نمایندگان کمیته اجرائی به دولت موقت "حل" گردید. ناظرین ساده لوح از سرافرازی آه کشیدند. سرانجام کوچکوف و میلیکوف "شکست خورده" بودند! سرانجام صلح می آید، صلح بدون مطلق شدن و غیرا مست! برادر کشی به پایان میرسد!

اماجه شد وقتی که وزرای جدید، وزرای "سوسیالیست" با لحن تشکین دهنده ای در گوش کوچکوف و میلیکوف شروع به حرف زدن کردند، خوب خط "پیروزی" بود اصطلاح "دمکراسی" بزحمت شمرده شده بود. "مراسم ختم" در مورد وزرای بازنشسته بزحمت فراخوانده شده بود. براساسی "مرده" دست از سرزنده برنمی داشت!

خودتان قضاوت کنید

وزیر جدید جنگ، همشهری کرنسکی، در همان اولین سخنرانی اش در کنفرانس دهفانان (۱۱) اعلام کرد که کسی نخواهد تضابط آهنگین را در ارتش مجدداً برقرار کند. نوع تضابطی که مورد نظر او بود بطور مشخص در اعلامیه حقوق سربازان (۲) با امضای کرنسکی دیده می شود که در آن نوشته شده، تحت شرایط جنگ "فرماندها" از حقوق دارندگان نیروی مسلح را علیه زیردستان که از اطاعت نظم سرپیچی میکنند، بکار گیرند" (به ماده ۱۲۴ از اعلامیه رجوع کنید).

چیزی را که کوچکوف بخواب میبندید ما جبراً ب انجا می رانند، کرنسکی در زیر پوشش عبارات خوش طینت در باره آزادی، برابری، و عدالت، با یک ضرب "اجرا" کرده است.

برای چه چیزی این تضابط ضروری است؟

اولین وزیری که اس نکند را برای ما روشن کرد سردبلی بود. او بدکار رمندان ادا ریست گفت که: "ما میگوئیم تا ندا از طریق یک صلح جداگانه، بلکه با فاش شدن در کنار متحدینمان در دستمنسان آزادی، به جنگ با ما ندهیم." (به روزنامه "سورژن" یا "بیروزکا" (۳) شماره ۸، مرجوع کنید). اگر از آزادی "آزادی" که مساوی فقط برای تاشیر آن (به جملده بالا) حساس شده است، صرف نظر کنیم و اگر این گفته تا منطفی وزیران را به زبان ساده برگردانیم فقط یک مفهوم میتوان داد: شما باید صلح با ما پیدا در اتحاد با بریتانیا و فرانسه، آلمان را در هم بگوئیم و برای این هم سئو به خودیاید دست بیدیک تهاجم بزنیم بداین دلیل، یعنی برای تدارک یک تهاجم صلحاً طرحیه متحد در جهت بیروزی مشترک بر آلمان است که تضابط آهنگین ضروری است.

چیزی که میلیکوف آنقدر بزدلانها ما در عین حال لجوجا نه در تقلائی بود سردبلی وزیر برنا مه خودش اعلام کرده است. این در اولین روزهای بعد از "حل" بحران بود. بعد از وزرای "سوسیالیست" کساج "ترومیر" بچتر شدند. در ۱۲ مه، کرنسکی "فرمان روز" خود به کار رسانید، سربازان، مملووانان را ما در کرد.

"... شما پیش میروید، بعد از شکر میران نشان و حکومتان شما را میبرد... شما میروید... مقصد بد تضابط وظیفه... این خواست مردم است که شما کشورمان را و جبهان ستمگران و اشغالگران را پاکسازی کنید. این است تا هکار قبیرمانانندای که شما را به اجرائیش فرا میخوانیم." (بدرج (۲) ۱۲۰) مد رجوع کنید).

آیا واضح نیست که فرمان کرنسکی، اختلاف اساسی بسیار اندکی را با فرمانهای امیرالیستی حکومت تزاری - مثل اینکه گفت: "ما با بدنا بیروزی تهاشی بکنیم، ما با بد دشمن کساج را از سرزمین خود بیرون کنیم، ما با بد جهان را از بیوغ میلپتا ریسم آلمان نجات دهیم..." و حوضه تهاشی سندان دار است.

* و از آنجا شکر آنا ستراست در باره یک تهاجم حرف ردنا آن را ترتیب داد و نظریه اینکه مثلاً چند هتک ارتش هتیم (جبارتای آنها) اطاعت از فرمان "تهاجم" را ممکن نداشتند، دولت موقت، همرا با کرنسکی، از حرف گذشت و به "عمل" پرداخت و فرمان به انحلال بی تا مل هنگ های "غیر فرمانبردار" و تهدید مجرمین به "تهدید با اعمال شاقه و محرومیت از حقوق تملک" را ما در کرد (به ورژن شماره ۵) اول ژوئن، رجوع کنید). و وقتی که شات شد که همه اینها غیر ممکن است کرنسکی خود "فرمان" دیگری را ما در کرد که اینبار آنکارا بر فرد ساردری قرار داشت و "محرمین" را به "محا کمه و تشبیه با حدا کثری کیری قانون" یعنی با زاعمال شاقه، تهدید نمود (به نوایا ژیزن (۱۶) اول ژوئن، رجوع کنید).

نظور خلاصه، محتوای فرمان کرنسکی اس است: بی تا مل حمله کنند، حمله کنند با تمام قوا، در غیر این صورت ما را با اعمال شاقه میفرستیم و ما در مقابل خود آس قرار نمانده ایم.

و این در زمانی است که فرار دادهای تزاری با بیروزی تهاشی و فرار تهاشی بقی است. زمان شکر بر اساس اس قرار دادهای "ما" محققاً جمهوری جماعت فعالان از سالت الحاق کرمانا تهاشی با بریتانیا و فرانسه در بین النهرین، یونان، و آلمان، لورن، پشوم! خوب، بی صلح بدون ملحقات و غیرا متهاجمند؟ قول انجام "اقدامات قاطع" برای رسیدن به صلح که دولت موقت داده بود، چه شد؟ بر سر شما م قولی تهاشی گذرد زمان "بحران قدرت" داده شده بود چه آمده است؟

آه، وزرای ما صلح را فرا موش نکرده اند، صلح بدون ملحقات و غیرا متهاجمند، در باره آن بلا شلاست زیاد است - خ - می رانند، سخن میرانند و می نویسند، می نویسند و سخن میرانند، و نه فقط وزرای ما همین روز گذشته بود که دولت های بریتانیا و فرانسه در پاسخ به درخواست دولت موقت برای اعلام اهداف جنگی شان، اظهار نمودند که آنها نیز با عمل الحاقی مخالفتند، اما... فقط تا آنجا که اس امیرا الحاقی آلمان - لورن، بین النهرین، و غیره بر خورد کند. و دولت موقت در باره دداشت مورخه ۳۱ مژ خود در پاسخ بد این بیانشه، بشو به خود اظهار داشت که "با وفاداری راسخ بد آلمان مشترک شدن" بیانشه دس کند تا "کنفرانسی از نمایندگان نیروهای متحد در آینده ای نزدیک" بعضی آنکه تضابط اجاز داده شد، تشکیل گردد. تا موافقت با ما مربوط به اهداف جنگی را مورد تعدید نظر قرار دهد (بدرج (۷) شماره ۷۲ رجوع شود).

خوب، از آنجا شکر هنوز هیچکس نمیداند که کسی تضابط اجاز داده شد و از آنجا شکر این "آب سینه نزدیک" بچتر نکرده اند از زودخوا هدیود، بتضابط این میشود که در واقع "مبارزه قاطع" برای صلح بیستون ملحقات برای مدت زمانی تا محدود به تنویق می افتد و به بیرونی بی محتوا و ریاکارانه ای تفسیر ما هست میدهد. اما منظر می رانند که تهاجم و کلیه "اقدامات قاطع" که برای برادناختن آن صورت میگیرد، از جمله تهدید با اعمال شاقه و قرار دادن در سربا رجوع آتش، حتی برای لحظه ای هم نمیتوانند تنویق افتد... جایش برای تردید نیست، جنگ، یک جنگ امیرا - سالیستی بود و خوا هدیود، صحبت از صلح بدون ملحقات، غیر غم تهاشی که برای یک تهاجم صورت میگیرد، تهاشی بیوشی برای مخفی داشتن خلعت غار بکرانه جنگ است. دولت موقت قطعاً راه امیرا لیسیم فعال را در پیش گرفته است، از برکت ورود "سوسیالیستها" به دولت موقت چیزی که همین دیروز بی نظر غیر ممکن می رسید، امروز ممکن گردیده است. آنها با یوشانندن ما هیت امیرا - لیستی دولت موقت از طریق عبارت برداری سوسیالیستی مواضع ضد انقلاب در حال رشد را تقویت کرده و وسعت بخشیده اند.

موقعیت در حال حاضر به این صورت است که وزرای "سوسیالیست" بوسیله بیروزی امیرا لیست با موفقیت در جهت اهداف ضد انقلابی آنها مورد استغاده قرار میگیرند.

این دمکراسیهای انقلابی تا ده نیستند که موفق گردیده اند، بلکه همان ورقهای قدیمی در سبازی امیرا لیستی یعنی کوچکوف و میلیکوف هستند که پیروز شده اند.

متصل به "کمیته‌های صنعتی - نظامی" - بورژوازی
بوجود می‌آورند و از این راه به بورژوازی و تزار کمک
میکردند بهمان ترتیب اینگونه کمیته‌های "امداد"
را که تبلیغ "خودبازی" خود مردم بهر جنگ نسبت به یکدیگر
است بصورت "کمیته‌های زرد" در آورده و در آن‌ها سیاست
بازش طبقاتی را حاکم کرده‌اند. (رجوع شود به تاریخ
مختصر حزب بلشویک - فصل ششم)

لنین در مورد سوسیال شوینستیهای زمان خویش
می‌نویسد:

"سوسیال شوینسیم عبارت است از عقیده "دفاع از
میهن" در جنگ کنونی. این عقیده از نظر منطقی به
دست کشیدن از مبارزه طبقاتی در طول جنگ و رای
دادن به اعتبارات جنگی و غیره منتهی می
گردد. در حقیقت سوسیال شوینستیها از یک سیاست
ضد پرولتاریائی بورژوازی پیروی میکنند زیرا
که آنها عملاً از "حق" این یا آن "قدرت" بزرگ در
غارت مستعمرات و سرکوبی ملت‌های دیگر حمایت
کنند، نه از "دفاع از میهن" بمفهوم مبارزه
علیه مستعمرات. سوسیال شوینستیها با راه این
فریب بورژوازی را که جنگ برای حفظ آزادی و
موجودیت ملت‌ها برپا گشته، تکرار میکنند. از
اینرو آنها علیه پرولتاریا جانب بورژوازی را
منگیرند. در میان سوسیال شوینستیها کمونیستی
هستند که حکومتها و بورژوازی یکی از گروه‌های
متخاصمان را شایسته کرده و پیروی آن‌ها را لعاب میکنند."
(سوسیالیسم و جنگ)

همانطور که مشاهده میکنیم امروز نیز سوسیالیست
شوینستیهای ما از این جنگ ارتجاعی که هدف از آنیم
سرکوب انقلاب و هم‌نوعه منافع اقتصادی است، به
نفع بورژوازی خود جا شیداری کرده و با "عامل امپریالیزم"
یا لیست "خواندن عراق، سعی میکنند طرف ایرانی
را "ذیحق" و "ملی" نشان دهند.

دفاع طلبان چه می‌گویند؟

در کنار سوسیال شوینستیها و ملهم از آنها دفاع
طلبان را دارند، "دفاع طلبان" "تجاوز عراق" را
یک "تجاوز امپریالیستی" میدانند که توسط امپریالیسم
آمریکا طرح ریزی شده و غرض آن سرکوب انقلاب از
طریق تقویت "ارتش آمریکا" و ارتجاعی چون
بختیاریا لیبان است. بدین لحاظ آنها معتقد
هستند که با پیدا زاین زاویه یعنی از زاویه دفاع از
انقلاب، به جنگ با تجاوز عراق پرداخت و توده‌ها را
خود مستقلاً در برابر متجاوزین عراقی مشکل کرد.
آنها می‌گویند ما در این مقطع فقط به جنگ با عراق که
خطر سرکوب انقلاب از جانب آن می‌رود پرداخته و در
برابر جمهوری اسلامی به افشاکری بسنده میکنیم آنها
با توسل به شواهد تاریخی میخواهند از این حکم صحیح
که پرولتاریا چنانچه منافع طبقاتی او تقاضا کند می
تواند تحت شرایط مشخص علیه یک ارتجاع با ارتجاع
دیگر مبارزه نماید، به این نتیجه غلط روی شوینستی
میرسد که در شرایط امروز کمونیستها میتوانند وارد
چنین سازش با همسویی با رژیم جمهوری اسلامی شوند.
آنها معتقد هستند که عدم مقاومت در مقابل تجاوز
عراق و تبلیغ ضد جنگ، نه تنها بمفهوم عدول ما از راه

انقلابی و جاحالی کردن در مقابل سرکوب انقلاب
توسط امپریالیستهاست، بلکه علاوه بر آن به جدائی
ما از توده‌ها و به انزوا ی کمونیستها می انجامد.

انحراف دفاع طلبان همان انحراف سوسیالیست
شوینستیهاست، منتها با درجه‌ای کمتر. اگر سوسیالیست
شوینستیها با دفاع از "حکومت ملی" به فقر رویزیو-
نیسم افتاده و تبدیل به جریان رویزیونیستی شده‌اند
دفاع طلبان نیز با شرکت در این جنگ هر چند تحت
عنوان "دفاع از انقلاب" (و این مهم است) بهمان
انحراف افتاده و به رویزیونیسم گرایش می‌یابند. اگر این
گرایش رویزیونیستی از طریق یک مبارزه آید شس-
لوژیک تصحیح نگردد، واضح است که در ادامه خود می
تواند به منجذاب رویزیونیسم ختم شود.

انحراف اصلی دفاع طلبان

در کجاست؟

اساسی ترین انحراف "دفاع طلبان" آن است که
ما هیت جنگ اخبار را درک کرده و قادر نیستند که با یک
تحلیل منحصرتما مد در کبریه‌ای قبلی میان طرفین
جنگ که منجر به اتخاذ مشکل تیره امیز برای پیشبرد
همان سیاستها شده است، علت بروز جنگ و اهداف آن را
متخصص سازند. لنین می‌گوید:

"چگونه میتوان یک جنگ را شناخت، هرگاه آن جنگ
ادامه‌سایت قبلی آن دولت معین، سیستم دولت
های معین و آن طبقات معین در نظر گرفته نشود؟
تکرار میکنم این یک نکته اساسی است که غالباً
نادیده گرفته میشود. عدم درک این نکته نه دهم
تعمای می‌باید در باره جنگ را صرفاً به مناسبات و
سخن پردازیهایی بسای مورد تبدیل میکند. (لنین
جنگ و انقلاب - مجموعه آثار جلد ۲۴)

بها اعتقاد ما نگه‌اساسی اختلاف دقیقاً در همین
جاست. آیا این جنگ ادامه‌سایت‌های قبلی ما بین
رژیم ایران و عراق بوده یا نه؟

دفاع طلبان می‌گویند: این جنگ از جانب امپریالیسم
آمریکا طرح ریزی شده و در ادامه سیاست‌های قبلی این رژیم
نسبت به رژیم جمهوری اسلامی است. تجاوز و ظلم، محاصره
اقتصادی و... جزئی از همین سیاست اعمال فشار به هیئت
حاکم ایران برای تقویت جناح‌های وابسته رژیم به آمریکا
است که در ادامه خود به تجاوز "کارگزار آمریکا یعنی
عراق" به ایران شده است. آنها به این وسیله میخواهند
ارتش آمریکا "را تقویت کرده و لیبرال‌های طرفدار
غرب را در موضع رهبری نگاه دارند. این است تمام
آنچه که دفاع طلبان از ما هیت جنگ اخیر می‌فهمند.

وقتی که از آنها سوال شود: در صورت چنین
حالتی که شما فرض کنید، آیا ما هیت جنگ ارتجاعی
است یا انقلابی؟ جواب میدهند:

هر دو رژیم ایران و عراق ارتجاعی هستند ولی
چون هدف از این جنگ خفه کردن انقلاب مردم ایران است
در نتیجه از زاویه خلق ایران جنگ انقلابی است. به
بیان دیگر جنگ یک سرشت دوگانه دارد!
آیا از این استدلال میتوان مبتذل تریبدا کرد؟
تصور میکنیم بتوان با این استدلال میان توده خلق یک کشور

رژیم‌ها کم‌بهر آن براضی فاطمه نداشت و در هر جنگ
شوینستی بطرفداری از بورژوازی "خودی" وارد جنگ
شد. و آسمان را هم از موضع دفاع از انقلاب توده‌ها
گذاشت! در این صورت طرف مقابل هم میتواند با
همین استلال توده‌های خلق خود و کمونیستها را نرسد
میدان جنگ بکشد، و دیگر هیچگونه خط و مرزی مارکسیسم
و انترونا سونا لیمپرولتاری را از شوینسیم بورژوازی
جدا نخواهد کرد.

اینکه امپریالیسم آمریکا از این جنگ میتواند
به نفع سیاست خود بهره‌گیری مرسوم است که هیچ
گاه مورد تردید ما نبوده است. ولی بهمان اندازه برای
ما شک و ابهامی وجود ندارد که رژیم ضد خلقی عراق کار
گزار امپریالیسم آمریکا نیست و علیرغم هر کوسه نقشی
هم که آمریکا داشته باشد این جنگ نمی‌تواند در حده
اول و از لحاظ ما هیت ادامه همان سیاستها و تضاد
قبلی بین رژیم جمهوری اسلامی و بعث عراق نباشد.
سیاست و تضادی که در دوره رژیم‌ها خا شن وجه در دوره
رژیم جمهوری اسلامی، دارای تاریخچه و هویت روشنی
است. (ما این مسئله را در آینده نزدیک به تفصیل بر
خواهیم کرد.)

حال فرض کنیم که عراق نیز مثل عربستان سعودی
یک رژیم کارگزار رژیم‌ها کارگزار امپریالیسم آمریکا
باشد، حتی در چنین صورتی نیز ما هیت جنگ ایران و
عراق نمی‌تواند از جانب ایران خصلت انقلابی و
رهائی بخش داشته باشد، چرا که هر دو رژیم ارتجاعی
هستند و ما ما می‌که جنگ بصورت یک جنگ ملی و رها
بخش در دنیا مده است. تصور شرکت در این جنگ شسر
خاست به پرولتاریا و خلق‌های دو کشور است.

لنین که دفاع طلبان می‌گویند: ما از زاویه توده‌ها
وارد جنگ میشویم نمیتوانند جز گریز از طلب جیسر
دیگری باشد. و به هیچ عنوان در اصل مطلب که تعریف
ما هیت جنگ است تفسیری نخواهد داد.

طلبان روشن است که ما با کسانی که ضمن اعتقاد
به خصلت ارتجاعی جنگ میان دو رژیم ایران و عراق
و تحریم این جنگ، می‌گویند که اکنون سطح جنبش
توده‌های در حدی است که میتوان این جنگ ارتجاعی
را به جنگ داخلی بر علیه هر دو رژیم تبدیل کرد، مرز
بندی روشن داریم. در صورتی که چنین آثار جنبش‌های
پیدا شوند آنگاه ما مطلب را از بحث حول ما هیت جنگ
به بحث حول سطح جنبش توده‌های و تا کتیک میکشیم.
البته در تاریخ از این قبیل حوادث بسیار رخ
داده و میدهد که رژیم‌ها نتوان از تشبیهات انقلاب
شده‌ها مورد هجوم امپریالیسم خارجی و یا جناح‌های
دیگری از طبقه‌ها که قرار گیرند و غرض از آن ساقط کردن
آن رژیم ضعیف و ایجاد یک رژیم مسلط تر است. در این
صورت واضح است که کمونیستها میتوانند وظیفه
دارند که با توجه به سطح جنبش توده‌های که در شرایط
"موقعیت انقلابی" است دست به سلاح برده و علیه آن
متجاوزان آن کودتا کنند دست به قیام زنند. ولی
این قیام مفهوم دیگری ندارد و جز کوشش برای کسب قدرت
سیاسی و نه شمشیر زدن در خدمت رژیم‌ها کم.

نمونه این واقعه را میتوان در "توطئه کورنیلوف"
دید. پس از اینکه در ژوئیه ۱۹۱۷ کرسکی کارگران

تجاوزات فاشیستی عراق به خلق‌های ایران و بمباران مردم عراق توسط رژیم جمهوری اسلامی را

محکوم می‌کنیم!

واقعۀ نهم ژانویه ۱۹۵۵ نمونه خوبی برای روشن کردن منظور ما است. در این روز در اثر تبلیغات یک روحانی مزدور بنام مکایون شده‌های کارگر به سمت کاخ زمستانی تزار رفتند، تا از او طلب نان و آزادی کنند. تاریخ حزب بلشویک در این باره میگوید:

"نیکیای دوم آنها را بدترستی پیشوا زگرد، روی فرمان داد که بطرف کارگران بی سلاح شلیک کنند. در این روز بیش از هزار نفر کارگر بدست سپاهیان تزاری کشته و بیش از ۲ هزار نفر هم زخمی شدند. خیابان - های پتروبروک از خون کارگران رنگین شد. بلشویکها همراه کارگران میرفتند، بسیاری از آنها کشته و یا با زداشت شدند. بلشویکها در همانجا در خیابانهای که از خون کارگران رنگین شده بود به کارگران میفهمانندند که در این جناح است و حشمتاک کنارهکار کیست و چگونه با بدبسی آن مبارزه کرد." (صفحه ۷۱)

آری رفقا - ما نیز علیرغم آنکه به توده‌ها میگوئیم که این جنگ یک جنگ ارتجاعی است و به نفع های ایران و عراق نیست ولی چون خود توده‌ها در این جنگ شرکت میکنند برای آموزش به آنها در کنارشان خواهیم بود. چه در زیر باران، چه در سنگر جبهه، چه در پناهگاه چه در کمیته‌های شبهه‌نفت و خوابارونیا رحلات، چه در کمیته‌های حفاظت و حفظ خاموشی خیابانها، چه بصورت بزرگ، چه بعنوان سرباز و... ولی ما اگر در "نهم ژانویه" شرکت میکنیم ولی خود مبلغ "نهم ژانویه" نیستیم! اگر ما در تظاهراتی که با یون مزدور موجود آورده بود برای افشای این تزویر شرکت میکنیم ولی خود مبلغ تظاهراتت کارگران و او نیستیم! اگر ما مبلغینی را با هدف افشای ماهیت ضد انقلابی جنگ برای آموزش بسه توده‌ها و سازماندهی مبارزات آنها به جبهه جنگ می - فرستیم ولی خود مبلغ جنگ ارتجاعی نیستیم و بسه توده‌ها نمی گوئیم که حتی یک تیر در جنگ میسان دو ارتجاع شلیک نمائند.

عده‌ای از رفقا میگویند: اگر منطقه‌ای توسط عراق اشغال شد، در آنجا چه میکنید؟ اگر توده‌ها حاضر باشند مقابل آنها شلیک میکنید؟

اگر یک اشغال بمفهوم کامل کلمه صورت گیرد، چیزی که بنظر ما امکان ندارد (یعنی رژیم عراق پس از آتش بس در طی مذاکرات یا در ارضه رژیم جمهوری اسلامی منطقه‌ای را اشغال کرده و خود در آنجا اعمال حاکمیت کند و توده‌ها در آنجا بجنگند، ما به سازماندهی این مبارزه و ارتقاء سطح آن خواهیم پرداخت. چرا که در آن حالت، جنگ ارتجاعی در توده‌ها و خود، شرایط جدیدی را پدید آورده، و جنگ جدیدی را برانگیخته است. جنگ ملی علیه دولت اشغالگر! این چیزی است که معمولاً فراموش میشود و سرشت این دو جنگ ما هیتسا متفاوت با یکدیگر مخلوط شده و طبیعتاً نتایج انحرافی از آن گرفته میشود.

اما هر جنگ ارتجاعی میان دو دولت ارتجاعی در صورتی که اشغال سرزمین هر یک از طرفین جنگ را هم هدف نداشته باشد، طبیعتاً نفوذ در مناطقی که کشور طرفین را بطور متناوب، در پی دارد با نفوذی که به قصد وارد آوردن ضربات متقابل به طرفهای جنگ صورت میگیرد و در این میان این امکان وجود دارد که مناطقی که در

رژیم ایران پرداخت، چون در این شرایط بدلیل توهم توده‌ها نمی توان بر علیه بورژوازی خودی قیام نمود. انحراف این رفقا در این است که هیجانات و روحیات شونیستی توده‌ها را در جنگ کنونی بر علیه رژیم عراق، هیجاناتی که بورژوازی خودی برای پیش بردا مرجع ارتجاعی به برانگیختن آن بنا ز دارد روحیاتی که سالها در قعود هیبت توده‌ها لانه کرده است، را "موقعیت انقلابی" توده‌ها برای مبارزه علیه رژیم عراق، و خود آگاهی مستقل و انقلابی آنسان میدانند و درست به همین دلیل است که بدنبال تمایلات شونیستی برانگیخته شده در میان توده‌ها و بقول لنین بدنبال "مستی توده‌ها" روان میشوند و دستخوش اکونومیسم و توده‌گرایی ناپی میگردند که سرانجام برای رساندن بورژوازی خودی در تحسین هر چه بیشتر توده‌ها و لایوتانی ما هیت واقعی جنگ کنونی است. این نتیجه منطقی است که امروز این رفقا و ما دفاع طلبان دیگر بدان افتاده اند.

دفاع طلبی
شکل دیگری هم دارد؟

یک شکل دیگر از دفاع طلبی که جباراً به سوسال نویسیم خواهی هد کشید، در روشی مبارزه با "سیفسم" ولی در واقع از زوایای اکونومیستی و توده‌پرستی عوامانه "راج میدهد. این دیدگاه معتقد است که چون با بدرکنار توده‌ها و همراهای توده‌ها به آموزش آنها پرداخت لازم است که در مقابل امت مردم علیه عراق شرکت کرد. به عبارت دیگر "برای قطع جنگ با سد در جنگ شرکت کرد" البته منظور این رفقا، این نیست که سازمانهای کمونیستی از اعفاء و هواداران خودگمانی را به سنگرهای جنگ بفرستند تا بدین وسیله بتوانند به تبلیغات ضد جنگ بپردازند. (زیرا این چیزی است که مورد تکیدها نیز میباشند) بلکه منظور آنها، اساساً سازمان دادن جنگ علیه تاج و عراق و پشتیبانی از جنگ آنها میباشند.

آیا از این هم چیزی التقاطی ترمیشود؟ طالب جنگ قطعی با شی ولی در عین حال جنگ را سازمان دهی قبول داشته‌اشی که جنگ ما هیت ارتجاعی دارد ولی عملاً به نفع یک طرف از جنگ علیه طرف دیگر شرکت کنی.

درست است که این توده‌های زحمتکش هستند که در اشترتجا و سرپازان عراق به جان و مال آنها مجبور به مقاومت خود بخودی در مقابل این تاجا و زهستند، ولی مهم این است که ما چه تحلیلی از ماهیت جنگ و سیاستی که در توده‌ها و خود به جنگ انجام میدهد است داریم. سیاستی که بر خود جنگ نیز غلبه داشته و توده‌ها را به زیر پرچم خود فرا میخواند با بدیدگاه این توده‌ها از چه مشی و سیاستی که باعث جنگ شده است پیروی میکنند و چه سیاستی بر حرکت آنها سوار است. سیاست رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی؛ در این صورت دفاع از این رژیم تحت عنوان او ما نیستی (انسان دوستانه) و شیوه‌های اکونومیستی چه مفهوم دیگری دارد و جز رنگ و جلا دادن به نویسیم ملی؟

رایه کلوله بست و حاکمیت دو کانه "از میان رفت، بلشویکها اعلام کردند که دوران "سالمت آمیز" برسد انقلاب گذشته خود را برای قیام ماده کردند. در این شرایط که بلشویکها روز بروز در حال قدرت کیسری بیشتر بوده و سیاست خائنه‌ها با آنها و منشویکها در حال رسوا شدن بود، توافق امیریا لیستیهای خارجی و خود کرنسکی ز نرال کورنیلوف دست به کودتا زدند تا بدین وسیله رژیم بطلان یومکرا تیک کرنسکی را با قسط کرده و برای کنترل ارتجاع یک رژیم نظامی بسرروی کار آورد. در چنین شرایطی، جوی انقلابی بر حاکمیت حاکم فرما شده جناح در ارتجاع کرنسکی نیز خود را در مقابل کودتا قرار داده و به نظر هر دو رژیم راه خود را مخالف آن نشان داد. "موقعیت انقلابی" آغا ز شده بود بلشویکها در مقابل کورنیلوف ایستادند و او را سرکوب کردند و همین امر موجب آن شد که نه تنها انقلاب از خطر سقوط نجات یافت، بلکه شوراهای جدید کارگران - دهقانان که در آن روحیه بلشویکی حاکمیت داشت از نو پدید آمده و زمینه را برای قیام تاریخی اکتبر آماده کرد. در تاریخ مختصر حزب بلشویک آمده است: "تکست ما برای کورنیلوف همچنین نشان داد که حزب بلشویک رشد و نمو کرده، نیروی اساسی و قطعی انقلاب گردیده و به تکست هر گونه دسائس ضد انقلابی توانا است. حزب ما هنوز حزب حاکم نبود، لیکن در روزهای ما برای کورنیلوف مانده نبود - حاکم حقیقی کار را از پیش میبرد، چونکه رهنمود های وی بدون تردید از طرف کارگران و سربازان انجام میشد." (صفحه ۲۴)

آری! گفتن این که ما صف مستقل میسازیم، گفتن این که ما سیاست مستقل بیرونی را جدا از رژیم - ارتجاعی جمهوری اسلامی به پیش میبریم، فقط کافی نیست، بلکه در نظر گرفتن این که سطح جنبش توده‌ای در چه حدی است و تا کتیک کمونیستها با بدیاری پیساده کردن این سیاست مستقل چه باشد، نیز جزئی لازم و جدا نشدنی از خود سیاست بیرونی است. اگر شرایط برای آنکه شما اسلحه را بدست گرفته و با استفاده از آن ما دکی توده‌ها در مقابل هر دو رژیم با بیستید آماده است، در آن صورت حتی لحظه‌ای درنگ در حاکمیت است به منجلا ب سازش است. و اگر سطح جنبش توده‌ای هنوز در مرحله‌ای است که کارشمانمی تواند از حد هدایت سازماندهی جنبش اقتصادی - سیاسی توده‌ها حول سیاست بیرونی فراتر رود، در این صورت دست بردن به سلاح یا پیساده جانی شما از توده‌ها و افتادن به بلاتکلیف و آنازیسم و بسا در محمل ترین حالت خود به دنیا له روی از بورژوازی و شمشیر زدن برای او و منجر خواهد شد.

ولی مسلم است که "اشتباه" دفاع طلبان، "اشتباه" در ارزیابی از سطح جنبش توده‌ای نیست، بلکه انحراف اساسی آن، همان عدم درک از ماهیت جنگ و از رژیم و طبقه‌ای است که این رژیم شما بنده منافع آن می باشد. ارزیابی راست روانه و شونیستی دفاع طلبان، از جنگ کنونی در برخورد به سطح جنبش توده‌ای به آنسان ظاهری چپ می بخشد. آنها میگویند که باید در جنگ علیه رژیم تاج و زگرد عراق "با بدترتکست و به مقاومت مسلحانه پرداخت. چون توده‌ها نسبت به رژیم عراق دچار توهم نیستند و متقابلاً با بدبها فاشگری بر علیه

رژیم‌هایی که خلق‌های کشور خود را سرکوب میکنند نمیتوانند در جنگی به نفع مردم شرکت نمایند!

پیکار

شمسه (۲) شماره ۷۵
شبه ۱۲ مهر ۵۹

محور جنگ قرار دارند، دست بدست گشته و مورد تجاوز و ظلمت است. جنگ قرار گرفته (مانند جنگ کسوفی میان ایران و عراق) و طبیعتاً این نفوذ و دست اندازی بنمید فریبزدن، گسار نوده های زمینکن و خرابی را در مناطق فوق الذکر نیز درسی دارد. این بنا بر وی آتدها تا زمانیکه جنگ همان جنگ و با همان ماهیت ارتجاعی است، نمی توانست بوسی برای سرکند در آن از جانب کمونیستها و دعوت بوده ها به این سرک قرار گیرد، مگر آنکه این جنگ در ادا مدخوس با اشغال مناطق تحت نفوذ یک طرف از جانب حریف، جنگ جدیدی را در منطقه اشغال شده برانگیزد.

در تاریخ با رها اشغال شده که یک جنگ ارتجاعی در منطقه ای از زمان تبدیل به یک جنگ انقلابی شده و با بالعکس، لنین میگوید:

"آنکه شما خطوط تقسیم هم در طبیعت و هم در جاهای قرار داده ای و بیوا هستند و اینکه هر یک در یک نوع روابط معینی ممکن است به خود تبدیل شوند البته یک مفروضه ایست که دیکتاتور کمونیستی است. جنگ ملی امکان دارد که به یک جنگ امپریالیستی تبدیل شود و بالعکس، مثالی بزنیم:

جنگهای انقلاب کمپوزیونیست و سنیوان جنگهای ملی شروع شدند و حقیقتاً هم چنین بودند. اینها جنگهای انقلابی بودند - دفاع از انقلاب کمپوزیونی در مقابل انقلابی از ممالک سلطنتی و انقلابی، لنین هنگامی که با بلشون امپراطوری فرانسه را بنا نهادند تعدادی از دولتهای ملی اروپا تکی بزرگ با دوام و قدیم التاسین را به تکیه آورد، این جنگهای ملی فرانسه جنگهای امپریالیستی شدند و به نوبه خود باعث جنگهای آزادیبخش ملی بر علیه امپریالیسمها بلشون گشتند." (لنین جزوه بیوتیون)

اینکه یک منطقه به اشغال واقعی در آید و بنوده هادر آن منطقه آماج دگی آن را داشته باشد که به جنگ منسوب ملی علیه اشغالگر دست بزنند حالتی است که در جنگ انداز جنگ اخیر ایران و عراق تعریف گشته. با این وجود چنانچه بفری هم چنان حالتی بوجود آید در این صورت ما با جنگ جدیدی خطب جدید و اهداف جدید و نیرو خوا هم بود که با سرشت ارتجاعی جنگ حاضر و اهداف ارتجاعی طرفین آن منافیرت با هو می دارد.

در انجام وظایف عملی خود نباید دچار پاسفیسیم شد

البتة این درست است که این کل اخیر "دفاع - طلبی" خود را در بیوتیون مبارزه با سفسیم و مرزبندی با آن نباید میدهد، ولی برآستی هم امروزه خطری که صیوانها ما را تهدید نماید همین پاسفیسیم است. اگر ما بگوئیم که این جنگ، جنگی است میان دو ارتجاع و فقط به دادن اغلامه های بر طراطی علیه آن اکتفا کنیم واضح است که در عمل به پاسفیسیم افتاده و بیوتیونی دیگر در خدمت بورژوازی خودی قرار گرفتاریم.

توده ها را صیوان از خارج تبلیغ کرد، باید در میان آنها بود، زیرا توده ها تنها سند و روشنگران از درون کتاپ، بلکه در بحریه عینی خود آموزی میسند

در همکا جنگ، وقتی که توده ها در زیر باران ترار دارند با مورد حمله دشمن قرار گرفته و بیرحمانه متبل - غام میسوند، صنوان درخا نه نیست و دست به تبلیغات ضد جنگ زد، با در بر ما این عزمها در گنار بوده ها بود و در عمل به آنها با آن داد که این جنگ بیسوده و ارتجاعی است و آنها را برای تبدیل این جنگ ارتجاعی به یک جنگ انقلابی علیه امپریالیسم و سرمایه داران آماده نموده، از سرک در کمینده های صغی مختلف که در ایام جنگ بوجود میاید و کوس در تبلیغ سازی و اشغالگری بر علیه جنگ و سرمایه دهمی بوده ها تحول مینا به دستل به علیه بنا بر و غوازی جنگ گرفته ها خدا به مختلف در حقیقه های جنگ، چند و چند ابزارهایی هستند که ما باید از آنها برای بردن صفارهای بنا بر سرولری استفاده کنیم، بوده ها در بحریه خود جنگ ما بوزند که سرمایه داران و رزینیای حاکم برای آنها حرکت گسار عزیزان، تحطی و کراسی آوارگی و غریب هیچ حیر سارضا ورده و راه سارزده ها این معانی سارزده ها سرمایه داری و رزینیای است.

البتة در سطح مدحک باید "سلع سازی" بود، بوده ها در حال حاضر در ارتجاع و رزی خودست به رزیم ارتجاعی حاکم و صنار از صنومات سوسنی بورژوازی ایران دچار سوسیم و دفاع طلبی بوده و در برابر "ملغان" مدحک سرحتی سان خواهد داد، و حیا که ککاد صلعمین مدحک را "عامل عراق"، "توکرآ برکا" و غیره و غیره بنا مند، و رزینیای برای اشکود سلطنتات ارتطرت رومیرو تکیها آماده شده است. ما باید با بردباری و رزینیای رزینیای مجموع شرایط دست به تبلیغ رده و سرمایه دهمی بوده ها تحول مینا و مس در متابل عنوان جنگ - ارسال اعزام به بیوتیونی، کراسی جوار و سار، تحطی مواد ساربان، کراسی و ارتجاع

آن در سطح سیاسی سردارند. لنین میگوید:

"سار مردد یا دحک" البتة صحیح است ولی این سار خود و سرکی و طایفه رمان و لزوم طور دیگر بر جورده سودی با بوده وسیع را در بر تکی کرد. این سار به عقیده من سید سار "مردد یا دوزار" است که مبلغ سیاسی "روزگار گذشته" مان و ساده با آن بوده میرفت - و کنگ کانی سوس جان می - نمود، هوا داران بوده ای دفاع طلبی انقلابی افراد ساک - بسی هستند و در حقیقتی بلکه از حیثیه طبقاتی، بدین معنی که آنها به طبقاتی تعلقی دارند (کارگران و دهقانان سیدست) که در اینها ارا الحاق طلبی و احسای طبقاتی بنگانه حیری نمایند و تصور، اینها آن بورژواها و آنها با "روسنگران" سیدست که حیلی خوب میداند سار سیادت سرمایه دهمی سیدست صنوان از ارا الحاق طلبی دست گسده و بدون دعه عده ها طریقه ها را با الفاظ ربا و وعده های بی حساب و سوده های بی سسار قرب میدهند، (و طایفه سرولما را در اشغال ما)

آری! و طایفه ما سوار ولی آمده در جان است. آنچه که میم اسان است که اشغال سوس و کمونیستها به این جنگ سر خوردتعال سوده و در حقیقت اشالی ما هب ارتجاعی آن و بار ما سدهی حسین بوده ای حول عنوان سازی از آن بکوسد، و تلاش کنیدا از این جنگ به دفع رده و سار و ام اشغال دیکراسک - مدا سار سوسنی خلق و سارک جنگ داخلی بر علیه بورژوازی خودی و امپریالیسم، در جریان رده سار رده ملی و طبقاتی خلق سپرده گیری ما بند، حصول حسین امیری، جرابان ساری سراهات سوسال سوسنی و دفاع طلبی و جرابان ساربان - دهی حسین بوده ای در طی جنگ و سار از آن امکان - بدرست.

لینن نسوی انسانی ما هب ارتجاعی این جنگ
برای سوده ها!

لینن نسوی سار ما سدهی جنبش سوده ای در طی
جنگ و علیه جنگ!

سرترار ما دجمه پوری دموکراتیک خلق!

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و جنگ ارتجاعی کنونی را محکوم می‌کنیم!



سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

بیکار

شماره ۱۲ - ۱۳۵۹

باز هم درباره جنگ ایران و عراق

حکام حصار ایران و عراقی مدتی چند ماهی در ویجاهاست که تسلل ارتکب در مرحله جدیدی از رشد خود رسیده بود و عیناً وظایف آن را حفظ داده است. بلکه علاوه بر آن و با تعدی سیاسی و استمراری آن مونسها حوران سر برده شدن بوده‌های حلی رحمتکسان ایران از رژیم پارتی است که در روزنامه‌ها می‌زدند با حاکمات "سپهر پرسی" گادب سکوندیا از دست‌های ارتدوگناسی حاکمگری کرد.

التمس برای هر کارگر مبارزی که دارای آگاهی طبقاتی است به دفاع از حقوقش می‌باشد و هر کس که در این راه جان خود را فدا کند، ما را شکر می‌کنیم. "وحدت" تا جایی را حکم نخواهد کرد. بلکه با وجود آوردن آمار و ارقام بی‌مبطلبی جنگها را برای پیشبرد مبارزه، کراسی، آوارگی و... از همه مادی را برای رسیدن به آزادی و نجات ملی کارگران و دهقانان و زحمتکسان سپهر ایران علیه طبقه بورژوازی ایران و سیستم سرمایه‌داری وابسته‌ها مبارزه می‌کنیم و هر چه خواهد کرد.

ما وجود این امر که جنگ رسیده‌های مادی لازم برای گسترش انقلاب را افزایش میدهد، ولی هیچ مبارز نیست که این مسئله را بکند و در پی رسیدن به سیستم - جبرکراسی - اقتصادی مانند آن را ایجاد نماید. نتیجه می‌رسد که عوام بیک خود موجودات انقلاب را با هر چه در دست است، بر عکس اکثریت سیستم فاسد کننده‌های که امروزه سرمایه داران ایرانی و عراقی و سایرندگان سیاسی آنان در میان بوده‌های دو کشور رواج می‌دهند مبارزه نمود. اکثریت مبارزه‌های عوامی فعال و درگیر وجود بوده‌ها به معنی درسیان، اکثریت کارکنان این مبارزه سیستم بورژوازی در میان بوده‌ها، با افکار روسال سوسیالیستی و دفاع طلبانه که از جانب روبریوسیتها و روسفکران ایوریوسیت و با سرنگول دادن رده می‌نمودند معایله‌های حلی نکرده و... واضح است که در حین حاکمگری حاکمات آنکه همان حاکم می‌نمودند در کوناه مذبح برآیند حین بوده‌ها بر سر گذاردند و با انحراف دادن سمت آن علیه سوسیالیسم و کمونیسم، برای مدتی آن به معنی سوسیالیسم‌های حکومت خویش استفاده کند، وجود خواهد داشت و وجود هم دارد.

در واقع این جنگ به معنی سیستم بورژوازی - برسان بوده‌های رحمتکسان را که سیاسی از حوساوری آنهاست به در بر می‌آید و این رده‌ها را با سیستم‌های نظیر کراسی سکوندیاسی اریاکسی این بوده‌ها،

حراکیده‌های استار روبریویدها را از این جنگ سپهری است. حال آنکه در عین حال با تقیاً را بینا رکنیده‌ها از حربه بورژوازی مریه‌گیریدها سورژوازی کثیراً دور در دفاع از "سپهر" بورژوازی دیدند. بلکه با تعدی همان بندار هم بورژوسیتها می‌باشد اما بورژوسیتها را است را در حین کارگری ایران در بر گرفته است.

در حال حاضر دفاع از سورژوازی خودی در این جنگ از جانب حراکات به معنی درون حین کارگری است که صورت و رنگ خود را در صورت دستگیر و ولی نظور کلی بسوان این اجراات را به دو شکل بنسب می‌کند:

- ۱- اول سوسال سوسیالیسم یعنی کراسی که از راه دفاع از بورژوازی خودی، دفاع از رژیم جمهوری اسلامی در مقابل "حاکمات سرمایه‌داری" طلبا و سراجا حصار رحمتکسان می‌خواهند که کونست در سورژوازی شوند.
- ۲- دوم دفاع طلبان: که در ارتز اوغده‌های ارتدوگوری اسلامی آن را به حال مدافعان طلبا می‌ماند بلکه به سخت سوان "دفاع از انقلاب بوده‌ها" و کدکوما سرمایه‌داری می‌ماند تا سوانی رژیم جمهوری اسلامی در سرکوب آن خود را با این "حکمتها و کارکنان را در امان رده‌ها از طریق آن انقلاب را سرکوب نماید" آورده‌ها می‌خواهند که در مقابل "عراقی و سوا و زکر" تا بسند و به اصطلاح "سختلا" مستقل از رژیم جمهوری اسلامی - معاومت کنند (۱۱).

چگونه سوسیالیست‌های شوینیمت‌های وطنی از "میهن" خود دفاع می‌کنند؟

تکلیف ما آنست که اول یعنی سوسال سوسیالیسم را در پیش اینها بسوان دار و دسته‌های روسیوسیت بگیریم. این سورژوازی بوده‌ها "سپهر" از خود سورژوازی بان خدمت می‌

۱۱- توضیح آنکه سوسال سوسیالیسم و دفاع طلبی در انقلاب روسیه همانا هم‌جای دیگری داشتند که ما با آنجا که ما در اینجا می‌توانیم کردیم بسیار بود. در روسیه سوسال سوسیالیسم ارتکبای سنجایی سورژوازی خودی و دفاع طلبان از جنگها و سدا یعنی آن دفاع می‌کردند. حال آنکه در این حکمتها دسته اول از رژیم "سدا" سرمایه‌داری و دسته دوم از "انقلاب بوده‌ها" "سدا" از دفاع دفاع می‌کنند.

کنند. آنهاست به معنی سورژوازی گادب کراسی است که آنهاست که در حین کارگری ایران سوسال سوسیالیسم را در پیش اینها بسوان دار و دسته‌های روسیوسیت بگیریم. این سورژوازی بوده‌ها "سپهر" از خود سورژوازی بان خدمت می‌

سوسال سوسیالیسم، سوسیالیسم ارتکبای سنجایی سورژوازی خودی و دفاع طلبان از جنگها و سدا یعنی آن دفاع می‌کردند. حال آنکه در این حکمتها دسته اول از رژیم "سدا" سرمایه‌داری و دسته دوم از "انقلاب بوده‌ها" "سدا" از دفاع دفاع می‌کنند.

مبارک بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

منتمل به "کمیته های صنعتی - نظامی" بورژوازی
 بوجود می آید و رتبه های آن را به بورژوازی و تزار کمسک
 میگرداند بهمان ترتیب اینگونه کمیته های "امداد"
 را که به "بورژوازی" خود می آید، خود مردم برچنگ نسبت به یکدیگر
 است بصورت "کمیته های زرد" درآورد و در آنها سیاست
 سازش طبقاتی را حاکم کرد (رجوع شود به تاریخ
 مختصر حزب بلشویک - فصل ششم)
 لنین در مورد سوسیال شوینیستهای زمان خویش
 میگوید:

"سوسیال شوینیسم عبارت است از عقیده "دفاع از
 میهن" در جنگ کنونی. این عقیده از نظر منطقی به
 دست کشیدن از مبارزه طبقاتی در طول جنگ و رای
 دادن به اعتبارات جنگی و غیره منتهی می
 گردد. در حقیقت سوسیال شوینیستها از یک سیاست
 ضد پرولتاریا و بورژوازی پیروی میکنند زیرا
 که آنها عملاً از "حق" این یا آن "قدرت" بزرگ در
 غارت مستعمرات و سرکوبی ملت های دیگر حمایت
 میکنند. نه از "دفاع از میهن" مفهوم مبسوط
 علیه ستم بیگانه. سوسیال شوینیستها با رها کردن
 فریب بورژوازی را که جنگ برای حفظ آزادی و
 موجودیت ملت ها برپا گشته، تکرار میکنند. از
 اینرو آنها علیه پرولتاریا جانبدار بورژوازی را
 میگیرند. در میان سوسیال شوینیستها کسانی
 هستند که حکومتها و بورژوازی یکی از گروه های
 متخاصمانا شنیده کرده و بر روی آن لعاب میکنند."
 (سوسیالیسم و جنگ)

همانطور که مشاهده میکنیم امروز نیز سوسیال
 شوینیستهای ما از این جنگ ارتجاعی که هدف از آنیم
 سرکوب انقلاب و هم توسعه منافع اقتصادی است بیهوده
 شغ بورژوازی خود را جانبداری کرده و با "عامل امپری-
 یالیست" خواندن عراق سعی میکنند طرف ایرانی
 را "ذبیح" و "ملی" نشان دهند.

دفاع طلبان چه می گویند؟

در کنار سوسیال شوینیستها و ملهمان آنها دفاع
 طلبان قرار دارند، "دفاع طلبان" "تجا و عراق" را
 یک "تجا و امپریالیستی" میدانند که توسط امپریالیسم
 آمریکا طرح ریزی شده و غرض آن سرکوب انقلاب از
 طریق تقویت "ارتش آمریکا" و ارتجاعیونی چون
 بدستیا رویا لیبزان است. بدین لحاظ آنها معتقد
 هستند که با پدید آمدن زاویه یعنی از زاویه دفاع از
 انقلاب، به جنگ با تجا و عراق پرداخت و توده هسارا
 خود متضاد در برابر متجا و زمین عراقی متشکل کرد.
 آنها میگویند ما در این مقطع فقط به جنگ با عراق که
 خطر سرکوب انقلاب از جانب آن می رود پرداخته و در
 برابر جمهوری اسلامی به افشاگری بکنده میکنیم آنها
 با توسل به شواهد تاریخی میخواهند از این حکم صریح
 که پرولتاریا چنانچه منافع طبقاتی او اقتضا کند می
 تواند تحت شرایط مشخص علیه یک ارتجاع با ارتجاع
 دیگر سازش نماید، به این نتیجه غلط رویز شوینیستی
 میرسد که در شرایط امروز کمونیستها میتوانند وارد
 چنین سازش های هیوسونی با رژیم جمهوری اسلامی شوند.
 آنها هستند هستند که عدم مقاومت در مقابل تجا و
 عراق و تسلیم شدن جنگ، نه تنها به مفهوم عدول ما از راه

انقلابی و جالی کردن در مقابل سرکوب انقلاب
 توسط امپریالیستهاست، بلکه علاوه بر آن به جدائی
 ما از توده ها و به انزوا و کمونیستها می انجامد.
 انحراف دفاع طلبان همان انحراف سوسیال
 شوینیستهاست، منتهی با درجه ای کمتر. اگر سوسیال
 شوینیستها با دفاع از "حکومت ملی" به فقر رویزیست
 نسیم افتاده و تبدیل به جویان رویزیونیستی شده اند
 دفاع طلبان نیز با شرکت در این جنگ هر چند تحت
 عنوان "دفاع از انقلاب" (و این مهم است) بهمان
 انحراف افتاده و به رویزیونیسم گرایش میابند. اگر این
 گرایش رویزیونیستی از طریق یک مبارزه ایده شوم
 لوزیک تصحیح نگردد، واضح است که در ادامه خود می
 تواند به منقلب رویزیونیسم ختم شود.

انحراف اصلی دفاع طلبان در کجاست؟

اساسی ترین انحراف دفاع طلبان آن است که
 ما هیت جنگ احسرا درک نکرده و قافله در نمیکنند که با یک
 تحلیل مشخص از شما در کبریه های قبلی میان طرفین
 جنگ که منجر به اتخاذ مشکل قیام مبارزای پیشبرد
 همان سیاستها شده است، علت بروز جنگ و اهداف آن را
 مشخص سازند. لنین میگوید:

"چگونه میتوان یک جنگ را شناخت، هرگاه آن جنگ
 ادامه سیاست قبلی آن دولت معین، مستمرد و ملت
 های معین و آن طبقات معین در نظر گرفته نشود؟
 تکرار میکنم این یک نکته اساسی است که تا آنجا
 تا دیده نگرفته میشود، عدم درک این نکته نه در هم
 شما می عبا حت در باره جنگ را صرفاً به شناخت جزای و
 سخن پردازیهای بی مورد تبدیل میکنند." (لنین)
 جنگ و انقلاب - مجموعه آثار جلد ۲۲)

به اعتقاد ما نکته اساسی اختلاف دقیقاً در همین
 جاست، آیا این جنگ ادامه سیاستهای قبلی ما بهین
 رژیم ایران و عراق بوده یا نه؟

دفاع طلبان میگویند این جنگ از جانب امپریالیسم
 آمریکا طرح ریزی شده و در ادامه سیاستهای قبلی این رژیم
 نسبت به رژیم جمهوری اسلامی است. تجا و زمین، صاع صره
 اقتصادی و... جزئی از همین سیاستهاست. بهینست
 حاکم ایران برای تقویت جناحهای وابسته رژیم به آمریکا
 است که در ادامه خود به تجا و "کارگزار آمریکا یعنی
 عراق" به ایران شده است. آنها به این وسیله میخواهند
 ارتش آمریکا را تقویت کرده و لیبزالیهای طرفدار
 غرب را در موضع رهبری نگاه دارند. این است تسمام
 آنچه که دفاع طلبان از ما هیت جنگ اخیر می فهمند.

وقتی که از آنها سوال شود در صورت چنین
 حالتی که شما فرض کنید، آیا ما هیت جنگ ارتجاعی
 است یا انقلابی؟ جواب میدهند:
 هر دو رژیم ایران و عراق ارتجاعی هستند و لوسی
 چون هدف از این جنگ خفه کردن انقلاب مردم ایران است.
 در نتیجه از زاویه خلق ایران جنگ انقلابی است. به
 بیان دیگر جنگ یک سرشت دوگانه دارد!
 آیا از این استدلال میتوان منتقل توپیدا کرد؟
 شعور میکنیم بتوان با این استدلال میان توده خلق یک کشور

رژیم حاکم بر آن سراسر حتی فاصلا نداشت و در هر جنگ
 شوینیستی با طرفداری از بورژوازی "خودی" وارد جنگ
 شد، و آسمان را هم از موضع دفاع از انقلاب توده هسارا
 گذاشت! در این صورت طرف مقابل هم میتواند به
 همین استدلال توده های خلق خود و کمونیستها را بر سر
 میدان جنگ بکشد، و دیگر هیچگونه خط و برزی بازگسیم
 و انتزاعا سربو، لیسیم پرولتری را از شوینیسم بورژوازی
 جدا نخواهد کرد.

اینکه امپریالیسم آمریکا از این جنگ میتواند
 به نفع سیاست خود بهره ببرد، امر مسلمی است که هیچ
 کس مورد تردید ما نبوده است. ولی بهمان اندازه برای
 ما شک و ابهامی وجود ندارد که رژیم ضد خلقی عراق کار
 کزار امپریالیسم آمریکا نیست و ظلم غم هرگونه نفسی
 هم که آمریکا داشته با نادانان جنگ نمی تواند در درجه
 اول و از لحاظ ما هیت ادامه همان سیاستها و تضاد
 قبلی بین رژیم جمهوری اسلامی و بیعت عراق نباشد.
 سیاست و تضادی که در دوره رژیم شاهنشاهی وجود
 رژیم جمهوری اسلامی، دارای تاریخچه و هویت روسی
 است. (ما این مسئله را در آینده نزدیک به تفصیل با
 خواهم کرد.)
 حال فرض کنیم که عراق نیز مثل عربستان سعودی
 یک رژیم کما رکزا و اتیم کما رکزا را امپریالیسم آمریکا
 با شد، حتی در چنین صورتی نیز ما هیت جنگ ایران را
 عراق نمی تواند از جانب ایران حملت انقلابی و
 رخا نشی بخش داشته باشد، چرا که هر دو رژیم ارتجاعی
 هستند و ما ما می که جنگ بصورت یک جنگ ملی و رها
 بهین در شما مذهب است، شعور شرکت در این جنگ تیسر
 خیا نشی به پرولتاریا و خلقهای دو کشور است.

این که دفاع طلبان میگویند ما از زاویه خود
 وارد جنگ می شویم نمیتواند جز گریز از مطالب چیسر
 دیگری باشد. و به هیچ عنوان در امل مطلب که شعور
 ما هیت جنگ است شفیبری نخواهد داد.

طبعا روشن است که ما با کسانی که ضمن اعتقاد
 به حملت ارتجاعی جنگ میان دو رژیم ایران و عراق
 و تحریک این جنگ، میگویند که اکنون سطح جنبه
 توده ای در حدی است که میتوان این جنگ ارتجاعی
 را به جنگ داخلی بر علیه هر دو رژیم تبدیل کرد، موافق
 بندی روشن داریم. در صورتی که چنین آنها ریشتهای
 پیدا شوند آنگاه ما مطلب را از بیعت حول ما هیت جنگ
 به بیعت حول سطح جنبش توده ای و تا کنیک میکنیم
 البته در تاریخ از این قبیل حوادث بسیار رخ
 داده و امید داریم که رژیم ما توان از تشبیهات انقلاب
 توده ها مورد هجوم امپریالیسم غارچی و با جناحهای
 دیگری از طبقه حاکمه فرار کرد و غرض از آن ساقط کردن
 آن رژیم ضعیف و ایجاد یک رژیم مسلط تراست. در این
 صورت واضح است که کمونیستها میتوانند وظیفه
 دارند که با توجه به سطح جنبش توده ای که در شرایط
 "موقعیت انقلابی" است دست به سلاح ببرد و وظیفه
 متجا و زیان کودتا کننده دست به قیام بزند، و لوسی
 این قیام مفهوم دیگری ندارد جز کوشش برای کسب قدرت
 سیاسی و نه شمشیر زدن در خدمت رژیم حاکم
 سربزه این واقعه را میتوان در "توطئه کورنیلوف"
 دید. پس از آنکه در ۴ ژوئیه ۱۹۱۷ کرنسکی کارگران

تجا و زات فاشیستی عراق به خلقهای ایران و بمباران مردم عراق توسط رژیم جمهوری اسلامی را
 محکوم می کنیم!

رایه کلو له سب و حاکمیت دوگانه "از زمان رفتن بلشویکیها اعلام کردند که دوران مسالمت آهسته آهسته منقضی شده و خود را برای قیام آماده کردند. در این شرایط که بلشویکیها روز بروز در حال قدرت کسب سستی بوده و سیاست خائنانانه اسرارها و منشیوکیها در حال رسوایی بود، توافق امیربلاستهای خارجی و خود کورسکی زدنال کورنیلوف دست به کودتا زدند. سبب و سبب رزمی بلشویکیها در کودتا، کورنیلوف را قتل کرده و برای کنترل اوضاع یک رژیم نظامی سروری کار آورده. در چنین شرایطی، جوی انقلابی برحایم همکاران ما که در آن زمان در آن کورسکی نیز خود را در معال کورسکی قرار داده و سه ظاهری در رژیم تازه خود را مخالف آن نشان داد. "موقعیت انقلاب" آغاز شده بود بلشویکیها در مقابل کورنیلوف استوار و در سرکوب کردند و همسایر موجب آن شده که تنها انقلاب از خطر سقوط محاطت یافت، بلکه شوراهای جدید کارگران - دهقانان که در آن روجه بلشویکی حاکمیت داشت از نو پدیدار شده و زمینه را برای قیام تاریخی اکتبر آماده کرد. در این ریه مخبر حزب بلشویک آمده است: "تکست ما جزای کورنیلوف همچنان نشان داد که حزب بلشویک رشد و نمو کرده، سروری اساسی و قطعی انقلاب گردید و به تکست هرگونه دشمنی ضد انقلابی توانست. حزب ما هنوز حزب حاکم نبود، لیکن در روزهای ما جزای کورنیلوف ما نماندیم سروری حاکم حقیقی کار را از پیش میبرد. چونکه رژیم سروری - های وی بدون تردید از طرف کارگران و سربازان انجام میدهد." (صفحه ۲۴)

آری اکتفین است که ما مف مستقل میسازیم. کنتین ایچک ما سیاست مستقل پرولتری را جدا از رژیم سروری ارتجاعی جمهوری اسلامی به پیش میبریم. فقط کافنی نیست، بلکه در نظر گرفتن اینکه سطح جنبش توده ای در جدی است و تا کتیک کمونیستها با به برای پیاده کردن این سیاست مستقل چه باشد، نیز جزئی لازم و جدا شدنی از خود سیاست پرولتری است. اگر شرایط برای آنکه شما اسلحه را بدست گرفته و با استفاده از آن ما دکنی توده ها در مقابل هر دو رژیم با استفاده از آن است. در آن صورت حتی لحظه ای درنگ در حکم خبالت به منجالات سارنی است. و اگر سطح جنبش توده ای هنوز در مرحله ای است که کار شما نمی تواند از جدی است و سازماندهی جنبش اقتصادی - سیاسی توده حول سیاست پرولتری فرا تر رود، در این صورت دست بردن به سلاح یا پیوسته جدائی شما از توده و افتادن به بلانکیسم و آنارشیسم و یا در محمل ترین حالت خود به دنیا لبروی از بورژوازی و دشمن شدن برای او منجر خواهد شد.

ولی مسلم است که "اشتهاء دفاع طلبان" "اشتهاء" در آزادی از سطح جنبش توده ای نیست بلکه انحراف اساسی آن، همان عدم درک ارما هیت جنگ و رژیم وطنی است که این رژیم نمایند منافع آن می باشد. از آزادی راست روانه و شویستی دفاع طلبان، از جنگ کمونی در سر خوردن سطح جنبش توده ای به آسان ظاهری حب می بخشد آنها میگویند که باید در جنگ علیه رژیم تاجیک عراق یا در شرکت جست و به مقاومت مسلحانه بپردازد. چون توده ها نسبت به رژیم عراقی دچار رنج و سختی و متقابل با بدنه افشاکاری بر علیه

رژیم ایران برداخت. چون در این شرایط بدلیل توهین توده ها نمی توان بر علیه بورژوازی خودی قیام نمود. انحراف این رفتار در این است که همچنانست و روحیات شویستی توده ها را در جنگ کمونی بر علیه رژیم عراق، همچنانی که بورژوازی خودی برای پیش بردار جنگ ارتجاعی به برانگیختن آن بنا ز دارد روحیاتی که با لیسان محتامی در قورده نیست توده ها - لانه کرده است، را "موقعیت انقلابی" توده ها برای مبارزه علیه رژیم عراق، و خود آگاهی مستقل و انقلابی انسان میدانند و درست به همین دلیل است که بدنیال تعابلات شویستی سواکتخته شده در میان توده ها و مغسول لیسان بدنیال مستی توده ها "روان میشوند و دستخوش اگونومیسیم و توده گرایی بناسی میگردند که سرانجام برای رساندن به بورژوازی خودی در تیسبق هر چه بیشتر توده ها و لایو شانی ما هیت واقعی جنگ کمونی است. این نتیجه منطقی است که امروز با این رفتار و تمام دفاع طلبان میگردند آن افتاده اند.



دفاع طلبی

شکل دیگری هم دارد؟

یک شکل دیگر از دفاع طلبی که جابجا را به سوسال شویستیسم خواهد کشید، در پوشش مبارزه با "بلشویسم" و لی در واقع از زوایای اگونومیسیتی و توده پرستی عوامانه "خ" میدهد. این دیدگاه معتقد است که چون با بدد رکنی توده ها و همراهمان توده ها به آموزش آنها پرداخت لازم است که در مقابل مردم علیه عراقی شرکت کرد. به عبارت دیگر برای قطع جنگ باید در جنگ شرکت کرد. البته منظور این رفتار، این نیست که سازمانهای کمونیستی از آنها و هواداران خود کمانی را به سبکهای جنگ بغیر ستند تا بدین وسیله بتوانند به تبلیغات ضد جنگ بپردازند. (زیرا این چیزی است که موردتأکید ما نیز میسازد) بلکه منظور آنها، با ساسا سازمان دادن جنگ علیه تاجیک و عراقی و پشتبانی از جنگ آنها میسازد.

آیا از این هم چیزی انتقادی شویستی؟ طالب جنگ قطعی باشی ولی در عین حال جنگ را سازمان دهی! قبول داشته باشی که جنگ ما هیت ارتجاعی دارد ولی عملا به نفع بگرفت از جنگ علیه طرف دیگر شرکت کنی.

درست است که این توده های زحمتکش هستند که در انرجا و سربازان عراق به جان و مال آنها مجبور به مقاومت خود بخودی در مقابل این تجاوز هستند، ولی مهم این است که ما چه تحلیلی از ما هیت جنگ و سیاستی که در تاجیک و خود به جنگ اشیا مده است داریم. سیاستی که بر خود جنگ سبب غلبه داشته و توده ها را به زجر پرچم خود را میخوانند با بدد که این توده ها از چه میسبب و سیاستی که باعث جنگ شده است پیروی میکنند و چگونه سیاستی بر حرکت آنها سوار است. سیاست رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی؟ در این صورت دفاع از این رژیم تحت عناوین او ما سبب است (انسان دوستانه و شویستی) اگونومیسیتی چه مفهوم دیگری دارد و جز رنگ و جلا دادن به تریسم مانی؟

واقعه نیمه ژانویه ۱۹۰۵ نمونه خوبی برای روشن کردن منظور ما است. در این روز در ارتش تسلیمات بسک روحانی مزدورستان کمابون توده های کارگر به مسست کاخ زمستانی تزار رفتند، تا از او طلب نان و آزادی کنند. تا ریه حزب بلشویک در این باره میگوید:

"تسلیمات دوم آنها را بدین شنی پیشوا ز کرد و وی فرمان داد که بطرف کارگران سی سلاح شلیک کنند. در این روز پیش از هزار نفر کارگر به دست سپاهیان تزاری کشته و بیش از ۲ هزار نفر هم زخمی شدند. خبایان - های پتروورگ از خون کارگران رنگین شدند. بلشویکیها همراه کارگران میرفتند، بسیاری از آنها کشته و با با زداشت شدند. بلشویکیها در همانجا در خبا با شانی که از خون کارگران رنگین شده بود به کارگران میفیسما دندند که در این جناست و خشتناک کنایه کار کبست و چگونه با بدیسما آن مبارزه کرد." (صفحه ۷۱)

آری رفتار ما نیز علیرغم آنکه به توده های کمونیسم که این جنگ بک جنگ ارتجاعی است و به نفع توده های ایران و عراق نیست ولی چون خود توده ها در این شرکت میکنند برای آموزش به آنها در کتا نشان خواهیم بود. چه در زجر میسازان، چه در سبک جبهه، چه در پناهگاه چه در کمبته های تهیه نفت، و خوا روبا رحلات، چه در کمبته های حفاظت و حفظ خاموشی خبا با شیا، چه بصورت بزشک، چه بعنوان سرباز و... ولی ما اگر در "شهیسم زنا تویه" شرکت میکنیم ولی خود مبلغ "نیمه ژانویه" نیستیم! اگر ما در نظر هراتی که کتا پون مزدور میخورد آورده بود برای افشای این تزویر شرکت میکنیم و این خود مبلغ نظارات کتا پون و این نیستیم! اگر ما مبلغین را با هدف افشای ماهیت ضد انقلابی جنگ برای آموزش میساز توده ها و سازماندهی مبارزات آنها به جبهه جنگ می فرستیم ولی خود مبلغ جنگ ارتجاعی نیستیم و پیوسته توده ها نمی گوئیم که حتی یک تیر در جنگ میسازان دو ارتجاع شلیک نما بند.

عده ای از رفتار میگویند: اگر منطقه ای توسط عراق اشغال شد، در آنجا چه میکنید؟ اگر توده ها حاضر نیستند مقابل ما بشدند میجنگید؟

اگر یک اشغال مفهوم کامل کلمه صورت گیرد (چیزی که بنظر ما امکان ندارد) یعنی رژیم عراق پس از آتش - بس در طی مذاکرات با در ارتش و رژیم جمهوری اسلامی منطقه ای را اشغال کرده و خود در آنجا اعمال حاکمیت کند و توده ها در آنجا بکنند، ما به سازماندهی این مبارزه و ارتقاء سطح آن خواهیم پرداخت. چسرا که در آن حالت، جنگ ارتجاعی در تاجیک و خود، شرایط جدیدی را پدید آورده، و جنگ جدیدی را برانگیخته است، جنگ ملی علیه دولت اشغالگر! این چیزی است که سه معمولاً فراموش میشود و سرشت این دو جنگ ما هیتسا متفاوت با یکدیگر مخلوط شده و طبیعتا بیج انحرافی از آن گرفته میشود.

اما هر جنگ ارتجاعی میان دولت ارتجاعی در صورتی که اشغال سرزمین هر یک از طرفین جنگ را هم هدف نداشته باشد، طبعاً نتایج در مقابل کشور طرفین را بطور متناوب، در پی دارد و با نفوذی که به قصد وارد آوردن ضربات متقابل به طرفهای جنگ صورت میگیرد و در این میان این امکان وجود دارد که مناطقی که در

رژیم هایی که خلیق های کشور خود را سرکوب میکنند و چتر افشان و جنگی به نفع مردم شرکت نمایانند!

محور جنگ قرار دارد، دست بستگند و مورد تجاوز ظریفین
جنگ قرار گرفته و مانند جنگ کوسه میان ایران و عراق و وسط
این نمود و دست اندازی بخمس صد بیرون، گسار نود و
های زخمگس و حجابی را در مناطق فوق الذکر سردرستی
دارد. اس سلاح وسی آمده با ما مانگه جنگ همان
جنگ و با همان ما هست ارجاعی است، نمی توانست
بوسی برای سرک در آن از جانب کمونیسمها و دعوت
سپهدها بدین سرک فرا رگنرد، مگر آنگاه این جنگ
در آدا مدحویس با اشغال مناطق تحت نفوذ یک طرف
ارجاع حریف، جنگ جدیدی را در منطقه اشغال شده
برای یکزد.

در بنا بر یک بارها ا اشغال افشاده که یک جنگ ارجاعی
در معطقی از زمان تبدیل بدیک جنگ انقلابی شده و بنا
با انعکس، انشین تمکوبید:

"اینکه تمام خطوط تقسیم خود در طبیعت و هم در جا معد
فرا ردادی و بویا هستند و اینکه هر چه بدیده های خود
شرایط معینی ممکن است به خود تبدیل شود البته
یک معروض اساسی دنا لکنیک مارکسیستی است.
یک جنگ ملی امکان دارد که بدیک جنگ امپریالیست
لیسی تبدیل شود و با انعکس، مثالی برینیم:
جنگهای انقلاب کبیر ترانسه عنوان جنگهای
ملی شروع شدند و حقیقتا هم چنین بودند. اینها
جنگهای انقلابی بودند - دفاع از انقلاب کبیر
در مقابل اشغالی از ممالک سلطنتی فدا انقلابی، لکن
هنگای که با بلشون امپراطوری فرانس در اینها
نهاد دویسه سدادی از دولتهای ملی اروپا نشی
بزرگ با داد و فو ندیم لیا سیر را بدینا در آورد،
این جنگهای ملی فرانسه جنگهای امپریالیستی
تند و بیهوده بودند اما عت جنگهای آزادی بخش ملی
بر علیه امپریالیسم با بلشون کشند". (لنینین
جزوه بیونویس)

اینکه یک منطقه به اشغال و اشغال در آید و بوده هادر
آن منطقه آمدگی آن را دانه با شنگه بدیک جنگ بنا و است
ملی علیه اشغال کرد دست بزند حالتی است که در چشم انداز
جنگ اخیر ایران و عراق نمی گنجد. با این وجود
جنگ آنچه بفرین هم چنان حالتی بوجود آید در این صورت
ما با یک جنگ جدید با حطت جدید و اهداف جدید و بیرو
خوا هم بوده که ما سرش ارجاعی جنگ جا بیروا هستند ا
ارجاعی طرفین آن منابرت ما قوی دارد.

در انجام وظایف عملی خود نباید دچار پاشفیسیم شده

البته این درست است که این مکل اخیر "دفاع -
ظلمی" خود را در پوست میا رزه با پاشفیسیم و مرز بنشدی
با آن نمایی میدهد، ولی بواسی هم امروزه خطری
که میسوا بد ما را تهدید نماید همین پاشفیسیم است. اگر
ما بگوئیم که این جنگ، جنگی است میان دوار تجاع
و فقط نهادن اعلانه های بر طمطراق علیه آن اکتفا
کنیم واضح است که در عمل بدینا پاشفیسیم افتاده و بیونوی
دیگر در خدمت بورژوازی خودی قرار گرفته ایم.
توده ها را نمیتوان از خارج تسلیخ کرد، باید
در میان آنها بود، بران توده ها نهادند و سرگران ار
درون کتاب، بلکه در سرحد عیسی خود آموزش میسند

در هنگام جنگ، وقتی که سوده ها در برینسار ان سرار
دارند ما مورد حمله دین قرار گوسد و بیرحما بدتل
- تا م مسوسه، مسوان در جا بست دست بدینلمات
شد جنگ زد، ما بد در تمام این عرصه ها در کار سوده ها
بود و در عمل بد آنها سان داد که اس جنگ بیسوده و
ارجاعی است و آنها برای سدید این جنگ ارجاعی
بدیک جنگ انقلابی علیه امپریالیسم و سرمایه داران
آماده بودند. اگر یک در کسبه های صغی مخلت که در ایام
جنگ بوجود میسند و کوسه در تبلیغ سیاسی و اساکری
بر علیه جنگ و سازماندهی سوده ها بحول متا با بدستدل
به علیه سلاح و عوارضی جنگ کرمه ما خدمات بدینص
در حیندهای جنگ، همدو چیدما با رها نشی هستند که ما
با بدار آنها برای بردن عمارهای بحا سخن برولتری
استفاده کنیم، سوده ها در حریف خود جنگ ما موزند کند
سرمه داران و رزینهای حاکم برای آنها جز گسار
عمران، تحطی و کراسی آوارگی و غریب هیچ چیز
بما رسیا ورده و در دسار ردها این مناصب ساز زه بسا
سرمه داری و رزیم طبقاتی است.

البته در تسلیخ شد جنگ نباید تسلیخ سیاسی بود،
سوده ها در حال حاضر در ارجح ساری خود نیستند
روزم ارجاعی حاکم و مناسر ارسومات سوسیستی بورژوازی
ایران در ارجح سوسیم و دفاع ظلمی بوده و در برابر "سلطان"
شد جنگ سر سختی سان خواه هدا د، و حیدما که کد
صلبین شد جنگ را "عامل عراق"، "توکرة مریکا" و غیره
و غیره بنا مید. و ر میسند سیر برای استکونه تبلیغات
از طرف روبری سوسیمها آماده شده است اما تدها
بردساری و ما در ستر کراسین مجموعه سوا سط دست کشند
تسلیخ زده و بد سازماندهی سوده ها حول منا و مستدر
متا بل عوامت جنگ - ارمیل اعزام بد بر باری، کراسی
خوار و سار، تحطی موا بسار ان، کراسکی وارینا.

آن در سطح سیاسی سر داده اند، انشین تمکوبید:
"سار مردم بدیا جنگ" البته تسلیخ است ولی انشین
سار خود و سزگی وظایف زمان و لئوم طور بدیک سر
بر حور دینمودن ما سوده وسیع را در نظر میسند.
این سار رده عتد دین سیده سار "مردم بدسار"
است که تبلیغ سیاسی "رورکا رگدینسه" ناف و ساده
با آن بدده سیرست - و کنگ کانی سوس جان می -
سود، هوا داران سوده ای دفاع ظلمی انقلابی افراد بساک
- سسی هستند ارجح سده خچی سیکدار حینسه
طبقاتی، بدین معنی که آنها به طبقاتی تعلقی
دارند اکارگران و دهقانان سیدست اکتفا و انصا
از الحاق ظلمی و احسای طبقاتی بسکانه حوری
عاندان سمسود، انشیا آن بورژواها و آفایان
"روسفکران" میسند که حطی خوب سده است بسا
ساده سرمه سنی سیده مسوان از الحاق ظلمی
دست کشیده و سوسن دغدغه ها بطر سوده ها را با الفاظ
زیبا و وعده های سی حساب و سوبدهای بی شمار
غریب میدهند، (وظایف پرولسار را در اشغالیها)

آری! وظایف ما در ساری آسوده در چنان است،
آنچه که میسند این است که انقلابیون و کمونسسار
بند این جنگ سر حور دین فعال سوده و در جهت انشای ماهیت
ارجاعی آن و سازماندهی حینش سوده ای حول عوامت
ساجی از آن بکوسد، و بلان کشند با از این جنگ بدینص
ر سوده و ام انقلاب دمکراتیک - خدا میسار لیسی
خلق و سدارک جنگ داخلی بر علیه بورژوازی خودی و
امپریالیسم، در جریان رسد ما رده ملی و طبقاتی خلق
بهره گیری سمانند، حصول حین ارجی، جز با انشای
سرحات سوسال سوسسسی و دفاع ظلمی و جز با انشایان
- دهی حینس سوده ای در طی جنگ و ما بسار آن امکان
- بدیر نیست.

سوس سوسی انشای ما هیت ارجاعی این جنگ
برای سوده ها!

بیس سوسی سازماندهی حینش سوده ای در طی
جنگ و علیه جنگ!

سرترار بسا دمپوری دموکراتیک خلق!

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست